

# امیرکبیر و توسعه

## گفت‌وگو با دکتر محسن بهشتی سرشت\*

● فصلنامه دارالفنون

گفت‌وگو

### اشاره

آقای دکتر بهشتی سرشت، استاد تاریخ دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، مصاحبه‌ای جالب و شنیدنی با رادیو قرآن، در دی ماه ۱۳۹۹، داشتند. به درخواست فصلنامه گنجینه دارالفنون این مصاحبه با سؤالات و پاسخ‌های استاد تکمیل شد که در ذیل در اختیار خوانندگان محترم این شماره از فصلنامه قرار می‌گیرد.

■ آقای دکتر بهشتی سؤالم از شما این است که چگونه بعد از گذشت ۱۶۹ سال از شهادت امیرکبیر، وقتی نامش به میان می‌آید او را به منزله مسئولی برجسته، خدوم و زحمتکش و کسی که در راه تعالی ایران گام برداشت می‌شناسیم و به نوعی همچنان می‌تواند الگوی تمام مسئولان کشورمان به حساب بیاید؟

● خیلی ممنون از برنامه شما و شخص جنابعالی از اینکه همت گماشتید و در واقع در سالروز شهادت امیرکبیر به این مسئله و بازگشایی این امر اقدام کردید از شما سپاسگزارم. حضور شما عرض شود که مرحوم میرزا تقی خان، ملقب به امیرکبیر یا اتابک اعظم، که آخرین لقب او همان امیرکبیر است، از رجال برجسته تحول‌خواه در دو سده اخیر است و به افکار ایشان و افق‌های فکریشان کماکان امروز هم در جمهوری اسلامی توجه می‌شود. صدارت ایشان در خیلی از حوزه‌ها، با اینکه عمر کوتاهی در این زمینه داشتند، نزدیک به چهار سال بیشتر نبود و متأسفانه، بدخواهان اقدام به قتل ایشان

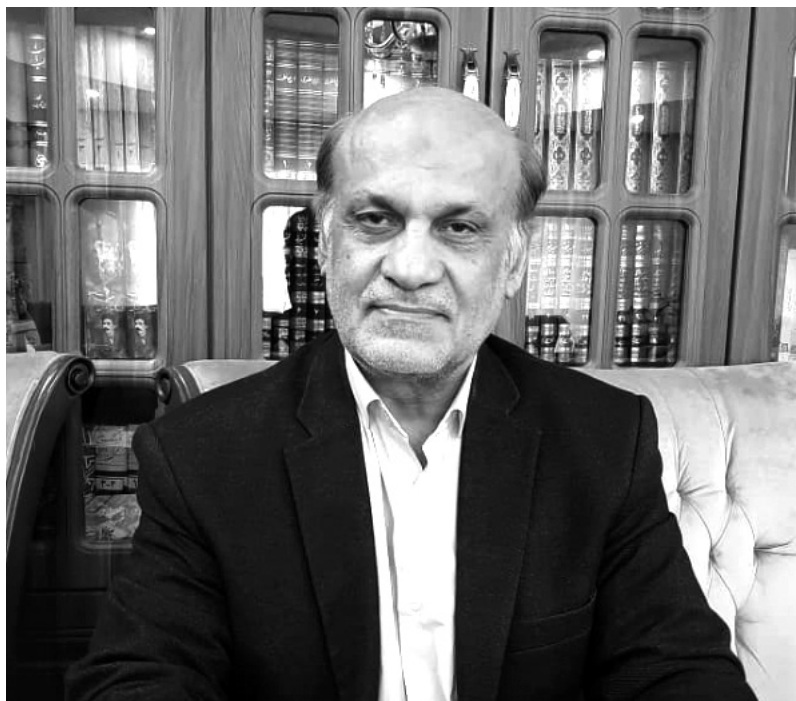
\* دانشیار تاریخ دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) ..... mbhehtiseresht@yahoo.com

یکی از کارهای  
بزرگ امیر کبیر  
احداث مدرسه  
دارالفنون یا اگر  
به تعبیر امروز  
بخواهیم بگوییم،  
همان دانشگاه بود

کردند. حالا چون فرصت من خیلی کم است، می‌توانم به این مسئله بپردازم که با توجه به همین چهارسال را در نظر بگیریم او اقدامات بسیار اساسی‌ای انجام داد، در رأس آن‌ها و تفکر تحول‌خواه و توسعه‌گرایانه ایشان چیزی با عنوان توزیع علمی وجود داشت که پیگیریش بودند و امروزه با عنوان «توسعه علمی» مطرح است. خوب، می‌دانید که در خود جمهوری اسلامی هم توسعه علمی در برنامه چهارم توسعه ایران به‌هرحال بنیان و پایه‌های تحولات در حوزه‌های مختلف کشوری است و عنوانش «توسعه علمی رمز بقای کشور» تعریف شده است؛ یعنی، بعد از تقریباً ۱۷۰ سال که از شهادت مرحوم امیر کبیر می‌گذرد همین الآن در واقع مهم‌ترین شعار در زمینه توسعه کشور، توسعه علمی است. به‌خاطر اتفاقی که در جنگ‌های ایران و روس افتاد و شکست‌های بزرگی که کشور متحمل آن شد، تحول‌خواه آن روز را، به‌خصوص امیر کبیر، متوجه این امر کرد که رمز عقب‌ماندگی‌مان در همین بحث توسعه علمی و نبود آن است. لذا یکی از کارهای بزرگ امیر کبیر احداث مدرسه دارالفنون یا اگر به تعبیر امروز بخواهیم بگوییم، همان دانشگاه بود، چون دارالفنون در واقع شامل رشته‌های مختلف علمی و کاربردی بود. همان‌طور که از نامش پیداست هم علوم بود و هم فنون.

## ■ آقای دکتر قبل از آن سابقه نداشت که همچین مرکز علمی‌ای در کشور به‌وجود بیاید؟

● در دوره قاجار که نداشتیم. در قرون چهارم و پنجم، در دوره سلجوقیان و در دوره خلافت عباسی دارالحکمه و مدارس نظامیه داشتیم که اوج تمدن اسلامی بود. بعد از آن دیگر متأسفانه بعد از حمله مغول، که در قرن هفتم هجری اتفاق افتاد، کلیه این مدارس به‌مرور تعطیل شدند و فروکش کردند و فاجعه‌ای پیش آمد که، به‌خصوص در دوره استعمار، دیگر نهایتش بود. واقعیتش چنین مرکزی نداشتیم. در واقع امیر کبیر احیاکننده بود، منتها براساس دانش و بینش جدیدی که به‌دست آورده بود. یکی از آن‌ها همان بحث جنگ‌های ایران و روس بود که باعث شد مصلحانی مثل عباس میرزا به این نتیجه برسند که رمز عقب‌ماندگی ما همین نبود توسعه علمی، نظامی و تسلیحاتی است. خدا او را رحمت کند و انشاءالله برنامه مستقلی نیز برای او داشته باشید، چون عباس میرزا خیلی از تمامیت ارضی ایران دفاع کرد، در جنگ‌های ایران و روس و در جنگ‌هایی که در شرق کشور، در هرات، با انگلیس‌ها پیش آمده بود فرمانده ارشد ایران بود و برای خودش جایگاهی ویژه دارد. لذا عباس میرزا به‌دنبال کشور فرانسه رفت که هیئت‌هایی آورده شوند تا نظام و ارتش ما را سامان دهند. اما مرحوم امیر کبیر خیلی بالاتر از این بود. ایشان احساس کرد این عقب‌ماندگی ما نتیجه رشد علمی است که در فرنگ و غرب اتفاق افتاده است و ما از آن عقب افتاده‌ایم.



■ آقای دکتر چون فرصتمان اندک است من خواهش می‌کنم شما درباره این موضوع هم اشاره‌ای کنید که امیرکبیر یکی از اولویت‌هایش را این گذاشت که ما در مقابل بیگانگان استغنائی پیدا کنیم و کشور را خود مردم بسازند.

● بله، من می‌خواستم این را در ادامه عرض کنم که در واقع این همان آیه شریفه «... فاستوی علی سوقه...» است که باید روی پای خود بایستیم. او در واقع در این راستا حرکت کرد. آن زمان فکر می‌کردند که جوان‌های ما اگر به فرنگ بروند و دانش بیاموزند و برگردند می‌توانند منشأ توسعه و تحول شوند که اتفاقاً عده‌ای هم رفتند و برگشتند، و آن کسانی که برگشتند حیرت‌نامه نوشتند، یعنی آن قدر مجذوب غرب و فرنگ شدند که این هم خودش خطری شد. امیرکبیر برای اینکه این خطر متوجه نسل‌ها نشود، گفت استاد را از فرنگ به داخل خود ایران بیاوریم. خیلی هم دقت و توجه کرده بود که از روس و انگلیس و کشورهای استعماری نباشند و معلمان و استادانی از اتریش و سوئیس و ... آورده شوند. از این کشورها استاد آورد که در خود کشور جوان‌هایمان را تربیت کنند و اتفاقاً رجالی که در دوره قاجار برجسته و توسعه‌طلب و دنبال تغییر بودند مثل مرحوم مستشارالدوله، که رساله یک کلمه را

جاده خراسان  
همیشه در خطر  
آماج حمله‌های  
سارقان و غارت  
کاروان‌های زوار  
اهل بیت و زوار امام  
رضا (علیه‌السلام)  
قرار داشت.  
در دوره امیر کبیر  
کاملاً امنیت  
برقرار شد

نوشت، معتقد بودند که رمز عقب‌ماندگی ما در یک کلمه است و آن هم قانون و قانون‌گرایی است و خلأ آن در کشور احساس می‌شود. این‌ها همه دانش‌آموخته همین مدرسه دارالفنون بودند و در واقع می‌خواهم اشاره کنم که آن‌قدر تأثیرگذار بود. در دارالفنون رشته‌های مختلف فنی، مهندسی و حتی مشق نظام، یعنی اینکه بتوانند نیروی نظامی تربیت کنند، وجود داشت. عجیب اینجاست که معمار ساختمان از ایشان سؤال کرده بود که آقای امیر کبیر شما می‌خواهید ما چه بسازیم. ایشان گفته بودند که من مهندس نیستم، ولی می‌خواهم چیزی بسازید که دوپست‌سال کاربری و کاربرد داشته باشد و همین‌طور هم بود. دارالفنون تا دوره پهلوی در واقع دانشگاه ایران محسوب می‌شد. متأسفانه، در دوره رضاشاه این مکان تضعیف شد و به دبیرستانی تبدیل شد که تا این اواخر دیگر بنای تاریخی آن هم داشت از بین می‌رفت. بحمدالله، در جمهوری اسلامی مراقبت و بازسازی کردند و امروز می‌توان رفت و از آن دیدن کرد. بازدیدکنندگان بروند و ببینند که دارالفنون اصلاً چیست و کجاست و اگر نرفتید، حتماً یک بار تشریف ببرید و ببینید که این مرد چه تفکری داشته است. او ۱۷۰ سال پیش، به این فکر کرده بود که دارالفنون دو تا سالن اجتماعات و یک سالن قرنطینه داشته باشد. دانش‌آموزان وقتی وارد سالن قرنطینه می‌شدند، باید در آنجا در برابر امراض مسری، مثل آبله و طاعون، واکسیناسیون می‌شدند. در واقع امیر کبیر واکسن را به ایران آورد.

### ■ درباره دیگر اقدامات امیر کبیر برای توسعه کشور هم توضیحاتی را بفرمایید.

● درباره دیگر اقدامات امیر کبیر در همان مدت کوتاه فراوان می‌شود صحبت کرد و انصافاً کتاب‌های مهم خوبی هم نوشته شده که باعث شده است افق‌های فکری وسعت بیشتری پیدا کند و به کارها و اقدامات زیربنایی در کشور پرداخته شود. به‌هر حال باز می‌توانیم به بُعد حفظ تمامیت ارضی اشاره کنیم.

در همان ایام، یکی از شاهزاده‌های قجری در خراسان قیامی ترتیب داد و می‌رفت که خراسان جدا و تجزیه شود. نام آن شخص محمدحسن‌خان قاجار بود. این امیر کبیر بود که پادشاه را قانع کرد و با سپاهی به جانب خراسان رفت. محمدحسن‌خان هم شکست خورد. اگر آن روز امیر کبیر این کار را نکرده بود، شاید خراسان هم یکی از کشورهای اقماری اتحاد جماهیر شوروی شده بود و امروز ما می‌بایستی برای رفتن به زیارت آقا امام رضا (علیه‌السلام) ویزا می‌گرفتیم. این کار، اقدام بسیار بزرگی بود که امیر کبیر انجام داد و اجازه نداد که خراسان بزرگ که مهد تمدن فارسی است، از ایران جدا شود.

از دیگر اقدامات امیر کبیر، برقراری امنیت بود که او تقریباً در سراسر کشور به‌وجود

امیرکبیر اولین  
 زمامدار ایرانی است  
 که بحث کاغذ و  
 بحث چاپ روزنامه  
 را مطرح کرد و  
 مخصوصاً که خودش  
 بنیانگذار آن در  
 ایران شد. روزنامه  
 وقایع اتفاقیه اولین  
 روزنامه‌ای بود که در  
 ایران منتشر شد

آورد. همین جاده خراسان همیشه در خطر آماج حمله‌های سارقان و غارت کاروان‌های زوار اهل بیت و زوار امام رضا (علیه‌السلام) قرار داشت. در این دوره کوتاه کاملاً امنیت برقرار شده بود، به‌خصوص بعد از شکست محمدحسن خان قاجار، پسر فتحعلی‌شاه، این کار راحت‌تر انجام می‌شد و کاروان‌ها در سایه امنیت می‌رفتند و می‌آمدند. این مطلبی بود که در زمان این مرد بزرگ رخ داد.

او اولین زمامدار ایرانی است که بحث کاغذ و بحث چاپ روزنامه را مطرح کرد و مخصوصاً که خودش بنیانگذار آن در ایران شد. روزنامه وقایع اتفاقیه اولین روزنامه‌ای بود که در ایران منتشر شد. خوب، بیشتر اخبار و گزارش‌های دربار، دولت و حکومت را به اطلاع عموم می‌رساند، ولی چون اقدامی تأسیسی بود و اساساً اقدامات تأسیسی، یعنی اولین باری که تأسیس می‌شوند، بسیار مهم و چشمگیر است و بعد از آن است که ریل آماده می‌شود و دیگران و مصلحان و فرهیختگان می‌آیند و این ریل را ادامه می‌دهند. اما سایر اقدامات امیرکبیر، که شاید سؤال سوم شما هم در همین جا پاسخ داده شود، مبارزه با خرافات بود. خوب، این را هم می‌دانید که انحطاط فرهنگ و تمدن ایرانی یکی از عواملش همین نفوذ خرافات در فرهنگ ایران زمین و در میان فرهنگ عامیانه است. این موضوع خیلی به روند توسعه، پیشرفت و ترقی کشور ضرر و زیان زد که متأسفانه از همان قرن هشتم و نهم و تا حدود زیادی دهم و یازدهم شروع شد و در قرن دوازدهم به اوج خودش رسید. در قرن سیزده و چهارده هجری، دوره قاجار، نیز این مسئله همچنان بسیار رواج داشت. امیرکبیر با خرافات مبارزه کرد. بسیاری از مقصران و خطاکاران و جفاکاران با همین خرافات خودشان را در سایه امنیت و در حاشیه امنیت قرار می‌دادند و گاه به امامزاده‌ها پناه می‌بردند، در حالی که طرف قاتل بود. مثلاً، در همین دوره مظفرالدین‌شاه، پدر حضرت امام خمینی (رحمت‌الله‌علیه)، مرحوم شهید سیدمصطفی خمینی، به‌دست اشرار منطقه خمین به شهادت رسید. اشرار پناه برده بودند به امامزاده‌ای در روستاهای آنجا و با پی‌گیری‌ای که همسر آقا سیدمصطفی، مادر حضرت امام، انجام دادند موفق شدند حکومت را مجبور کنند که پی‌گیر شوند و قاتلان را دستگیر کنند و در تهران قصاص شوند. به‌هرحال می‌خواهم این را برای مثال عرض کنم که چگونه این نامنی‌ها با خرافات و گاه با سوءاستفاده‌ای که می‌شد نیز آمیخته شده بود. خوب، امیرکبیر در این راه مبارزه کرد. به‌همین جهت است که می‌بینیم در زمان امیرکبیر، به‌خصوص با اصلاحاتی که ایشان در دستگاه قضا انجام داده بود و می‌خواست عدلیه استوار و عادلانه‌ای در ایران تأسیس کند، از همین زاویه سررشته ترقی ایران شروع می‌شود. چون واقعیتش اگر دستگاه قضایی قوی و ناظری در کشور وجود نداشته باشد، هرگونه ترقی و توسعه هم تقریباً به نظر محال و غیرممکن می‌رسد. در این جهت هم باز دسته‌ای از کسانی که منافعشان به خطر افتاده بود به مخالفت با امیرکبیر می‌پرداختند. چه بسا البته امیرکبیر

شاید اشتباهاتی هم داشته است که اشتباه کار هر انسان غیر معصومی است، ولی ما برآیند اقدامات اصلاح طلبانه ایشان را که در نظر بگیریم انصافاً یکی از مفاخر بزرگ کشورمان است که حق زیادی به گردنمان دارد. در امور توسعه و خیلی از تحول خواهان بعدی در دوره پهلوی و در دوره جمهوری اسلامی یکی از الگوهایشان خود امیر کبیر است.

■ خیلی ممنون که در این مصاحبه شرکت کردید.